

بنام خدای

سیری در

تاریخ سیاسی کُرد

و

گردهای قم

www.ketab.ir

آیت محمدی (کلهر)

انتشارات پُرسمان

محمّدی آیت، ۱۳۴۹ -
سیری در تاریخ سیاسی کرد و کردهای قم / آیت محمّدی
(کلهر) - تهران: پرسمان، ۱۳۸۲.
۳۲۰ ص.: مصور، نقشه، نمودار.

ISBN: 964-8079-03-x

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. (۳۱۸-۳۲۰)؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. کردان - تاریخ. ۲. کردان - ایران - قم - تاریخ.
۳. کردان - وضع سیاسی و اجتماعی. الف. عنوان
۹۵۵/۹۸۴ DSR ۷۲/ک۴م۲۶

انتشارات پرسمان

نام کتاب: سیری در تاریخ سیاسی کرد و کردهای قم

نویسنده: آیت محمّدی (کلهر)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: انتشارات پرسمان

لیتوگرافی، چاپ، صحافی:

سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۲

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

شابک: X-۰۳-۸۰۷۹-۹۶۴-۹۶۴-۸۰۷۹-۰۳-X ISBN 964-8079-03-X

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

تلفن: ۶۹۱۴۹۸۶

ص پ ۱۱۴۹۵/۴۱۳

تقديم به:

همسر مهربانم فاطمه

و

دخترم روزان

www.ketab.ir

www.ketab.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار	۷
بخش اول: سیری در تاریخ ملت کُرد	۱۳
- واژه کُرد	۱۳
- منشأ کُرد	۱۷
- پراکندگی کُردها	۲۸
سیری در تاریخ سیاسی کُرد	۳۹
- کُردهای ترکیه	۶۹
- کُردهای عراق	۱۰۱
- کُردهای سوریه	۱۲۴
- کُردهای ایران	۱۲۶
- اهداف و سیاست کشورهای بزرگ در میان کُردها	۱۶۱
- روسیه:	۱۶۱
- انگلیس:	۱۶۳
- آمریکا:	۱۶۴
- علل و عوامل ناکامی و بازدارندگی کُردها	۱۶۸
بخش دوم: کُردهای قم	۱۷۷
- موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی استان قم	۱۷۸
- ایلات و طوایف کُرد ساکن قم	۱۸۳
- زندها	۱۸۷
- کلهر	۲۲۸
- لک (سعدوند، سعادت‌مند، ساده‌وند)	۲۳۳
- زینی‌وند (زینی‌وهن)	۲۶۴

- ۲۶۵ - آروان (آروند، آروه‌ن)
- ۲۶۶ - عبدالملکی
- ۲۷۰ - لشنی
- ۲۷۲ - گُرزِه بر
- ۲۷۴ - مرشدوند (مرشه‌وه‌ن)
- ۲۷۶ - گائینی
- ۲۸۰ - حسن‌خانی
- ۲۸۱ - کل‌کو
- ۲۸۳ - کردهای متفرقه و پراکنده در قم
- ۲۸۵ منابع
- ۲۸۷ کلید واژه

پیشگفتار

گُرد کیست؟ کردستان کجاست؟ این سئوالی است که ذهن هر خواننده‌ای را با خواندن و یا شنیدن مطلبی در مورد گُردها به خود مشغول می‌کند.

بارها از خود می‌پرسیدم که چرا این همه حساسیت درباره گُردها وجود دارد. و چون بیگانه به آنها می‌نگرند، آنهم در سرزمین مادری و مأوای اصلی خود. مگر نه اینکه ایران سرزمین و مأوای اصلی گُردهاست. مگر نه اینکه این گُردها بودند که بنیاد این نام و این سرزمین را نهادند. و در طول تاریخ و گذر زمان حافظان و پاسداران وفادار به سرزمین خود در مقابل مهاجمان و بیگانگان بوده‌اند.

با دقت و حساسیت بسیار به دنبال سئوالات زیادی که در این باره برایم پیش آمده بود، گشتم. کتابهای زیادی را بررسی کردم. هر چند برایم ثابت شده بود که گُردها چون دیگر اقوام ایرانی از صاحبان اصلی این سرزمین بوده که دارای فرهنگ ایرانی، هویت ایرانی، زبانی ایرانی، ملیت ایرانی،... و اینکه وجودشان با این آب‌و‌خاک عجین شده، می‌باشند. و این یک واقیت تاریخی و غیر قابل انکارناپذیر می‌باشد. با این حال چرا احساس می‌شود که آنها جدای از این پیکره بزرگ تاریخی هستند.

از زمان شکل‌گیری دولت مذهبی صفویه با تحریک و پشتوانه عثمانی‌ها نخستین درگیریهای اصلی میان گُردها با دولت مرکزی ایران شکل گرفت که موجب شد تا میان گُردها و دولت مرکزی ایران یک دیوار بی‌اعتمادی و جدایی بوجود آید. این عامل ناشی از حضور و نفوذ عثمانیهای سنی‌مذهب که از رقیبان و دشمنان اصلی ایرانیان به شمار می‌رفتند، نشأت گرفت. آنها از حربه‌ی دین استفاده کرده و حکام گُرد را به سوی خود جذب کرده و در میان آنها نفوذ و با دادن استقلال و آزادی عمل داخلی بیشتر به ایالت‌های کردنشین آنها را به سوی خود کشاندند و از ایران جدا کردند.

همانطور که در این جستار آمده، گُردها به خصوص گُردهای تحت حاکمیت

درآمدهی عثمانی از آغاز نخستین حرکتهای انقلابی خود (۱۸۰۶م) و بعدها کردهای تحت حاکمیت درآمدهی عراق تاکنون دوران بسیار سختی را متحمل شدند. کردهای مناطق شمال غربی ایران نیز تحت تأثیر قیام کردهای عثمانی قرار گرفتند و دامنه‌ی آتش این درگیریها به ایران کشیده شد. این عامل باعث شد تا بین کردها و دولتهای مرکزی ایران نیز درگیریهایی بوجود آید که خواهان جدایی و کسب خودمختاری شوند. دولتهای مرکزی ایران برای حفظ مابقی سرزمین و ملت خویش تمام شورشها و قیامهای برخاسته رهبران کرد در غرب کشور را به شدت سرکوب کردند.

از زمان جدایی کردها تاکنون از سوی دولتهای مرکزی ایران (صفویه، افشاریه، زندیه، ...) هیچ‌گونه اقدام جدی برای الحاق دوباره کردها به ایران صورت نگرفته است. این عدم حمایت ایران باعث شد تا کردهای تحت حاکمیت این کشورها برای نجات خود خواهان استقلال شوند. اگر این واقعیت را بپذیریم که دولتهای مرکزی ایران بصورت جدی خواهان الحاق و بازگرداندن دوباره کردها به ایران که پاره‌تن جدا شده‌ی این کشور بودند، می‌شدند، امروز وضعیت به گونه‌ی دیگر بود. تنها یک بار آنهم در پایان جنگ جهانی اول از سوی دولتمردان ایران برای الحاق دوباره کردستان جدا شده از ایران اقدام جدی صورت گرفت، اما این اقدام در پی خیانت "وثوق‌الدوله" عامل سرسپرده انگلیسیها با شکست مواجه شد. پس از آن در عصر پهلوی و جمهوری اسلامی این هدف پیگیری نشد. این در حالی است که کشور ترکیه هنوز هم خواهان و مدعی الحاق استانهای کرکوک و موصل هستند. این اقدام آنها توسعه طلبی نیست، اما برای ایران جنبه‌ی توسعه طلبی تلقی می‌شود. کمکهای ایران به برادران در غربت خود فقط به کمکهای ظاهراً مادی بسنده شد. کمکهای این دولتها صرفاً برای اهداف دیگر همچون تضعیف کشورهای همسایه به خصوص کشور عراق بوده است. کشورهای منطقه (ترکیه، عراق، سوریه، ایران) نیز به هر نحو ممکن جهت تأمین منافع خود گروه‌های مسلح کرد هر کدام از کشورهای منطقه را مورد حمایت قرار دادند تا علیه دیگران وارد عمل شوند.

کردها بیش از این از دولتمردان سیاسی ایران انتظار داشته و دارند. انتظار داشتند که آنها را در مقابل (ترکها، عربها، ...) مورد حمایت قرار دهند، انتظاری که رهبران بزرگ کردها (ملک محمود برزنجی، مصطفی بارزانی، ...) علناً آنرا به زبان آوردند.

گردها به لطف تکنولوژی ارتباطات توانستند صدای انقلاب و خواسته‌های خود را به گوش جهانیان برسانند و قیام و انقلاب خود را در سطح جهان فراگیر کنند. شبکه‌های تلویزیونی میدیا (ماد)، کردستان، گُردسَهت در اروپا و عراق راه‌اندازی شدند و به خوبی تمامی مسائل مربوط به تحولات گُردها را تحت پوشش خود قرار می‌دهند.

کشورهای ترکیه و عراق در دهه‌های گذشته گُردها را چنان در محدودیت قرار دادند که مجال هیچ‌گونه خودنمایی نداشتند. از حرف زدن با زبان مادری خود منع شدند، هرگاه دم از ادای حقوق از دست رفته می‌کردند آنها را شرور، یاغی، ... و به عناوین مختلف با فجیع‌ترین وضع سرکوب می‌شدند. در دهه ۱۹۹۰ گُردها به خصوص گُردهای هوادار حزب پ.ک.ک در شهرهای مختلف جهان دست به تظاهرات وسیع زدند. نکته قابل توجه حرکت گُردها در این راهپیمایی‌ها خود سوزی‌هایی بود که در چند شهر اروپایی و از جمله ترکیه پیش آمد که برای کسب آزادی در میان شعله‌های آتش سوختند. و نگاه جهانیان را به خود جلب کرده و اثر تأثیرگذاری را در محافل بین‌المللی به جای گذاشتند. این اعتراضات موجب شد تا ترکیه از اقدامات خصمانه و وحشیانه خود علیه گُردها تا حدودی عقب‌نشینی کنند. حتی از اعدام عبدالله اوجالان خودداری کردند. وحشیانه‌ترین کشتارها در چندین دهه گذشته و در پی قیام گُردها بی‌گمان از سوی دولت‌های عربی عراق علیه گُردها صورت گرفت. بمباران‌های ویران‌کننده در دهه‌های ۶۰ و ۵۰ میلادی و دهه‌ی ۸۰ هیچگاه از ذهن‌ها فراموش نخواهند شد. بمباران شیمیایی شهرهای سردشت، حلبچه لکه‌ی ننگینی بود که بر دامن رژیم بعث عراق نشست. و هزاران انسان بی‌گناه فقط به جرم گُرد بودن برای همیشه نفس‌هایشان بند آمد و کودکان معصوم آینده‌ی خود را در فضای گازهای شیمیایی به گور بردند. به راستی گناه این مردمان چه بود؟ که بایستی محکوم به مرگ، بیخانمانی، آوارگی، ... شوند. مگر نه اینکه آنها در سرزمین مادری خود خواستار آزاد زیستن و دارا بودن حداقل حقوق حقه‌ی خود بودند.

امروز با توجه به شرایط پیش آمده چرخ چپ‌گرد زمانه به حرکت درآمده و همان کشورهایی که از هنگام روی آمدن کشور عراق به حکام و رژیم‌های این کشور کمک کردند و گُردها را به طرق مختلف سرکوب و قتل عام کردند. امروز همان دولت‌های بزرگ به ظاهر به حمایت گُردها برخاسته‌اند و خواهان کسب خودمختاری برای گُردهای

عراق هستند و این قول مساعد را جهت شکل‌گیری حداقل منطقه خودمختاری برای کردهای عراق داده‌اند. اگر این وضعیت پیش‌آید شاید نقطه‌امیدی برای کردهای دیگر مناطق در آینده بوجود آید. اما با توجه به اینکه ترکیه به شدت از شکل‌گیری این منطقه خودمختاری در شمال عراق وحشت دارد تا آنجا که بتواند از طریق امریکا مانع این کار خواهد شد. از طرفی باید دانست که کردها نباید گول وعده‌های دروغین کشورهای استعماری را بخورند، چرا که آنها هیچ‌گاه به فکر حمایت از مردم منطقه نبوده و صرفاً به دنبال منافع خود و به دست آوردن منابع نفت، گاز،... منطقه هستند. و این احتمال وجود دارد که چون گذشته با وعده‌های توخالی برای مدت زمانی کردها را سرگرم کنند و بار دیگر دولت مرکزی جدید عراق را که خواه‌ناخواه عربی هم هستند به جان کردها می‌اندازند. مگر اینکه همانگونه که در متن کتاب آمده، عمل کنند موفق خواهند شد. وگرنه غیر از این که تاریخ برای آنها بار دیگر تکرار خواهد شد، نخواهد بود.

امید است روزی فرا رسد که دیگر ملت‌گرد در زیر چرخ گردون زمانه و تازیانه‌ی رژیم‌های جبار را احساس نکنند و طلوع خورشید رهایی و آزادی سپیده‌دمان را بر آن هنگام آرزومندیم. باشد تا آن هنگام فرا رسد تا مرزهای سیاسی برداشته شوند و بار دیگر چون گذشته‌های نه چندان دور به آغوش سرزمین مادری خویش برگردند. بهاران رهایی را برای آن روز آرزومندیم.

به هر حال در این جستار و مجموعه سعی شده است که وقایع تاریخی، سیاسی‌گرد را از ابتدای شکل‌گیری نخستین حکومت‌های محلی و ملی در ایران، تحولات سیاسی دو سده‌ی گذشته (۱۹ و ۲۰م) کردها را بصورت کلی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و نگاه و اهداف کشورهای منطقه (ایران، ترکیه، عراق، سوریه) در قبال کردها و همچنین سیاست کشورهای بزرگ در میان کردها آمده است.

اما در مورد بخش دوم این کتاب که با نام کردهای قم آمده است باید بگویم که سال ۱۳۷۵ که وارد دانشگاه قم شدم، و از قبل اطلاعاتی را در مورد اینکه عده‌ای از کردهای کلهر در این شهر می‌باشند، داشتم. که با ورودم به دانشگاه در قم و آشنایی هر چه بیشتر با مردم این دیار پی بردم که کردهای قم خیلی بیشتر از آنچه را که می‌شناختم، می‌باشند. تحقیقات خود را در مورد آنها آغاز کردم و متوجه شدم که عمده‌ی طوایف موجود در قم گرد می‌باشند که با فروپاشی سلسه‌ی زندیه به دستور آغامحمدخان قاجار به این منطقه

کوچانده شده‌اند.

در این مدت که در قم بودم با خیلی از خانواده‌های بزرگ این طوایف آشنا شدم و مصاحبه‌هایی را با بزرگان اینها انجام دادم. با توجه به اینکه تلاش بسیار کردم، اما به گمان باز هم نتوانستم به خیلی از اطلاعات دسترسی پیدا کنم. با این حال این مجموعه را گردآوری کردم تا شاید خوانندگان عزیز و گرامی مرا در چاپهای بعدی کمک کنند. هدف از آوردن نام گردهای قم بدان خاطر نبوده که گردهای این منطقه مردمانی بودند که از یک سرزمین دیگر به این سوی آورده شده‌اند. و یا اینکه خدای نخواستہ بخوایم به دنبال آن باشیم که بین گردها و ایران خط جدایی بوجود بیاورم. خیر، هدفم آن بود تا این طوایف و تیره‌هایی که در این منطقه حضور داشتند و فراموش شده بودند را معرفی کنم. و با توجه به وظیفه‌ای که در مقابل آیندگان خود داریم نگذاریم تاریخ ما به دست فراموشی سپرده شود. هدف فقط معرفی و یادآوری تاریخ پربار این سرزمین مقدس با ملتی خستگی‌ناپذیر و دوست‌داشتنی است.

در پایان از همه‌ی عزیزانی که مرا در این راه یاری کردند و اطلاعات و اسناد و عکس‌هایی را در اختیارم قرار دادند تشکر می‌کنم. از جناب آقای دکتر علی اکبر نقی‌پور به خاطر کار بازخوانی و کمک شایان توجه در تدوین این مجموعه و زحمات زیادی را که متحمل شدند تشکر و سپاسگذاری می‌کنم. از دوست خوبم جناب آقای صابر منیری و همه‌ی کسانی که مرا در انجام کارهای پژوهشی‌ام همراهی کردند، تشکر و سپاسگذاری می‌کنم.

آیت محمدی (کلهر)

اردیبهشت ۱۳۸۲